



معسن تاجیک

خبرنگار

این روزها وقتی صحبت از روزنامه و مطبوعات می‌شود، بخش قابل توجهی از مردم می‌گویند مگر در این دوره زمانه کسی روزنامه می‌خرد و یا می‌خواند؟!
به‌عبارت دیگر اینطور می‌شود گفت تفکر و نگرشی وجود دارد که می‌گوید دوره مطبوعات و روزنامه‌ها به سر آمده و اقبال جامعه و مردم به مدیوم‌های دیگر رسانه‌هاست. البته نقطه‌مقابل این دیدگاه هم وجود دارد که می‌گوید مطبوعات و روزنامه‌ها همچنان کارکرد خودشان را حفظ کرده‌اند و در لایه و سطح دیگری می‌توانند تاثیرگذاری خود را داشته باشند. هرچند این چالش درباره کارآیی امروز مطبوعات وجود دارد اما در روزگار نه‌چندان دور کسی نبود به‌تاثیرگذاری بالای مطبوعات اعتقاد نداشته باشد. روزگاری که نه اینترنت و سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها بودند و نه شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و امثالهم. اگر بخواهیم تاریخ بعد از انقلاب را بررسی کنیم، در دو برهه دهه اول انقلاب و سال‌های دوم خرداد مطبوعات نقش تاثیرگذاری در جامعه داشتند و هر تیترو و محتوای چالشی در آنها می‌توانست کشور را تحت‌تاثیر خود قرار دهد. در شماره امروز حافظه‌دست روی تاریخ یکی از روزنامه‌های پرمخاطب سال‌های نه‌چندان دور کشور گذاشتیم، روزنامه‌ای که طبق ادعای گردانندگانش در دهه ۶۰ حدود ۵۰۰ هزار نسخه تیراژ داشت؛ روزنامه کیهان.

با پیروزی انقلاب تغییر و تحولاتی در برخی موسسات مطبوعاتی مانند کیهان و اطلاعات رخ داد. نماینده یا مسئول این موسسات مطبوعاتی توسط ولی‌فقیه انتخاب می‌شد و بعد او مدیرمسئول و سردبیر روزنامه را تعیین می‌کرد. در سال ۵۹ سیدمحمد خاتمی از سوی امام‌خمینی (ره) به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه در موسسه کیهان انتخاب شد. خاتمی در سال ۶۱ مرحوم شهید شاهچراغی، نماینده مجلس اول و دوم را به سرپرستی موسسه کیهان انتخاب کرد و پس از شهادت وی در اسفند ۶۴، سیدمحمد اصغری، وزیر دادگستری در دولت میرحسین موسوی و شهیدرجایی را به‌عنوان جانشین او برگزید. کیهان در دهه ۶۰ ازجمله روزنامه‌های متمایل به جریان چپ سنتی یا خط امام بود. طبق گفته‌های ماشاءالله شمس‌الواعظین، او در حداقل‌سال‌های ۵۹ تا ۶۷ سردبیر کیهان بود. گفته می‌شود هادی خانیکی، محمد عطریانفر و مسعود فغاری دیگر اعضای شورای سردبیری کیهان در دوره شمس‌الواعظین در دهه ۶۰ بودند که همگی گرانش‌های چپ سنتی داشته‌اند. اضافه شدن مهدی نصیری به‌شورای سردبیری کیهان در سال ۶۷، باعث بروز اختلافاتی در این روزنامه شد و درنهایت همه اعضای شورای سردبیری رخت سفر از این روزنامه بستند تا کم‌کم تغییرات سیاسی و فرهنگی در این روزنامه با در رأس کار قرار گرفتن مهدی نصیری به‌وجود آید. درنهایت با استعفای خاتمی از نمایندگی ولی‌فقیه در کیهان در سال ۶۹ و انتخاب اصغری به‌جای وی عملاًخط‌فکری روزنامه کیهان تغییر کرد که پیش از آن به‌عنوان یک روزنامه چپ و خط‌امامی شناخته می‌شد. در ادامه گفت‌وویی کمتر دیده‌شده از مهدی نصیری، سردبیر روزنامه کیهان در حداقل‌سال‌های ۶۷ تا ۷۴ را که قبل از سردبیری، دبیر سرویس مقالات این روزنامه بود، بازخوانی می‌کنیم. این گفت‌وگو که توسط محمد دلآوری، خبرنگار سابق صداوسیما صورت گرفته، در کتاب «روزنامه‌نگاری بدون درد و خون‌ریزی» چاپ شده است. نصیری در این مصاحبه درباره عملکرد نیروهای چپ در کیهان در دهه ۶۰ و شیوه نگاه آنها به مسائل و اتفاقات روز، چرایی استعفای چپ‌ها از شورای سردبیری در سال ۶۷، مواجهات خود با خاتمی به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه در کیهان، مسائل و حواشی پیرامون عملکرد فرهنگی کیهان در سال‌های دولت‌سازندگی به‌ویژه موضوع تهاجم فرهنگی می‌گوید. در ادامه بخش‌هایی از این گفت‌وگو را مرور می‌کنیم.

می‌گفتند غریبه وارد سردبیری نکنید

نصیری در این گفت‌وگو درباره اختلافات به‌وجودآمده در کیهان پس از حضور وی در شورای سردبیری و تغییر و تحولاتی که پس از آن به‌وجودآمد، گفته بود: «بعد از اینکه یک‌سال دبیر سرویس مقالات بودم، وارد شورای سردبیری شدم. تحلیل این بود که آقایان خیلی موافق نبودند که من باشم، چون یک جمع و اکیپ بودند و مجموعه‌خاص خودشان را داشتند. یکدست بودند. عناصری با گرانش‌های آن روز که می‌گفتند چپ! البته ما هیچ‌وقت چپ و راست را به‌کار نمی‌بردیم، می‌گفتند جریان خط‌امامی‌تر، مثلاً انقلابی‌تر، یک جریان کمتر خط‌امامی، محافظه‌کار … ما ظاهراً مواضع‌مان یکی بود و مثلاً نزدیک هم بودیم، ولی برای من معلوم شد که آقایان سلایق و گرانش‌های خاص خود را دارند و ما از یک سنخ نیستیم و سنخ‌مان در مواضع و تفکرات فرق می‌کند! خوب آنها هم می‌فهمیدند. به‌هر صورت وقتی به‌من حکم دادند و سردبیر شدم، آقایان جمعا استعفا دادند… هیچ‌جا مطرح نشد که [استعفای آنها] به‌ورود من مربوط است. اعتراض‌شان به آقای اصغری بود. مساله‌شان این بود که شما دارید غریبه‌ای را وارد مجموعه می‌کنید. درواقع نمی‌خواستند در درون این هسته‌تخللی ایجاد بشود. صورت‌تلقی‌شان این بود که یا ما یا فلاّنی (نصیری)!»

جو راه انداختند که جریان سرمایه‌داری علیه جریان خط امام در کیهان کودتا کرد

«چند روز بعد از ورود من، چندنفری استعفای دسته‌جمعی دادند، دادند به آقای خاتمی که نماینده امام در موسسه کیهان بود و آن موقع وزیر ارشاد هم بود. دو روزی گذشت و در شرایطی که خودشان هم شاید باور نداشتند، آقای خاتمی استعفای چهار نفر را پذیرفت. اینکه آقای خاتمی چرا استعفای آنها را پذیرفت، ما نمی‌دانیم. یک احتمال این بود که آقای خاتمی ضمن اینکه با اینها صددرصد منطبق نبود، ولی در عین حال نزدیک بود. مثلاً آنجا اختلافی پیش آمده بود بین آقای خاتمی [نماینده امام در موسسه] و آقای اصغری سرپرست موسسه. آقای اصغری می‌خواست کسی برود اینها [شورای سردبیری وقت] را تعدیل بکند. آقای خاتمی هم می‌خواست زیر بار نرود یا اینکه قبول نکند یا به‌هر دلیل نمی‌خواست جوری باشد که آقای اصغری علیه کامل پیدا بکند. در هر صورت بعد از گذشت یک‌ماه [خاتمی] استعفا را پذیرفت و تمام آقایان رفتند و من ماندم و یک نفری در سردبیری کیهان… وقتی من وارد مسئولیت سردبیری شدم، جوسازی‌ای در بیرون اتفاق افتاد.

حافظه

دوشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۰ شماره ۲۵۴۶



ناگفته‌های مهدی نصیری از تحولات سیاسی روزنامه کیهان در دهه ۶۰ و دولت‌سازندگی

چپ‌ها چگونه کیهان را اداره می‌کردند؟



آن جوسازی این بود که جریان راست دارد کودتایی خزنه علیه جریان چپ خط‌امامی و انقلابی می‌کند. می‌گفتند جریان راست سازش‌کار و متمایل به سرمایه‌داری و لیبرالیسم دارد می‌آید و اینجا را اشغال می‌کند.»

چپ‌ها در پشت‌صحنه روابط خوبی با نهضت آزادی داشتند

سردبیر سابق کیهان معتقد است نگاه‌های فکری و سیاسی نیروهای چپ در دهه ۶۰ ظاهری بوده و در پشت‌پرده، این نگاه‌ها و بعضاً روابط سیاسی آنها با دیگر گروه‌های سیاسی متفاوت بوده است: «میان خط‌امامی‌ترها مثل جریان [جمع] [روحانیون، طیفی از دوستان که گرانش‌چپ داشتند و البته امروز گرانش به لیبرالیسم و غرب در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارند، آن روز با گرانش‌های به‌ظاهر چپ، مدعی بودند که حساسیت‌شان نسبت به آمریکا بیشتر از جامعه مدرسین و روزنامه رسالت است و حساسیت‌شان به سرمایه‌داری بیشتر از طرف‌مقابل است! سعی می‌کردند رنگ‌مردمی و عدالت‌خواهی‌شان بیشتر باشد، مثلاً نشان می‌دادند با جریان نهضت آزادی تقابل جدی دارند. خودشان هم می‌دانستند که خیلی عمق اعتقادی نداشتند ولی همان موقع معلوم شد که روابطشان، در پشت‌صحنه، با نهضت آزادی خوب بوده است.»

عطر یانفر با باند سیدمهدی هاشمی

ارتباط داشت

«آقای عطریانفر، در زمان شهید شاهچراغی [سرپرست وقت موسسه کیهان]، عضو شورای سردبیری کیهان بود. این را آقای شاهچراغی خودشان به‌من گفتند. برای آقای شاهچراغی مسلج شده بود که آقای عطریانفر با طیف سیدمهدی [هاشمی] ارتباط دارد. گفت‌نامه نوشتم برای سردبیری که آقای عطریانفر حق امضای صفحات را ندارد، درواقع به‌نوعی اخراج از سردبیری بود. تازه آقای عطریانفر موضِعش واضح‌تر بود، ولی دیگر آقایان موضع آشکارشان کمتر بود.»

کیهان دغدغه امام درباره منتظری را درنظر نگرفت

«وقتی مجلس خبرگان آقای منتظری را به‌عنوان قائم‌مقام رهبری تصویب کرد، نظر امام این نبود که این اتفاق بیفتد. مجلس خبرگان به این سمت رفت و تصویب کرد. وقتی هم که تصویب شد، قرار نبود این خبر اعلام بشود، یعنی حضرت امام دغدغه داشتند… امام جمعه قزوین، آقای باریک‌بین، در خطبه‌شان خبر را اعلام کرد و آقایان به استناد خطبه ایشان خبر را رسانه‌ای کردند… نمی‌دانم نمی‌دانستند یا می‌دانستند که امام موافق هست یا نه! فکر می‌کنم علی‌القاعده باید می‌دانستند که حساسیت‌امام به این مساله چقدر است! این شد تیترو اول کیهان؛ حجت‌الاسلام باریک‌بین: آیت‌الله منتظری به قائم‌مقامی رهبری در خبرگان انتخاب شدند!»

فشار خاتمی برای چاپ مقاله درباره مذاکره مستقیم با آمریکا ششم اردیبهشت ۶۹
عطاءالله مهاجرانی، معاون پارلمانی دولت‌سازندگی مقاله‌ای جنجالی با عنوان «مذاکره مستقیم» در روزنامه اطلاعات می‌نویسد و در آن از مذاکره مستقیم ایران و آمریکا دفاع می‌کند. این مقاله در سطح رسانه‌ها و کشور به‌شدت مورد بحث و چالش قرار می‌گیرد. نصیری بحث

و گفت‌وگوهای داخل کیهان درباره این موضوع را اینگونه روایت کرده بود: «زمانی آقای مهاجرانی دست‌خانم کدیور را گرفت و آورد کیهان، گفت با اینکه من اطلاعاتی هستم، ولی کیهان را بیشتر قبول دارم و دوست دارم خانم کدیور بیاید اینجا با شما همکاری بکند. ایشان هم شروع کرد به مقاله نوشتن، چون با استعداد بود و خیلی خوب می‌نوشت، ما هم تحویل‌شان گرفتیم. درباره مواضع خارجی هم خوب می‌نوشت تا قصه‌مقاله مذاکره آقای مهاجرانی در اطلاعات پیش آمد که مقاله‌ای بود به نام مذاکره مستقیم که مثل توپ تریکید. این مواقع تا نشانه‌های سازشکاری و عدول از خط‌امام مشاهده می‌شد، کیهان وظیفه خود می‌دید که به میدان بیاید و دفاع بکند. طبعاً سرعت در کار و واکنش هم مهم بود. منتهیا مادربزرگ من همان وقت فوت کرده بود و من رفته بودم دامغان، نبودم آن روز، آقای اصغری آمده بود در تحریریه. آن روز تماس تلفنی گرفتم که دو مقاله بنویسید تا من بیایم، اما آقای اصغری هرچه مقاله در نقد مهاجرانی بود درآورد. این کار هم تفاهمی بین آقای اصغری و آقای خاتمی بود… فردایش که آمدم گفتم این خیلی برای کیهان بد است. به‌اصطلاح به این می‌گویند «خوردن خبر»… یک مقاله خودم نوشتم.

سه‌تا م بچه‌ها. گفتم امروز پر کنید تا جبران مافات بشود. باز فردایش آقای اصغری آمد و گفت این صفحات را بیاورید پیش من و دوباره اینها را دربیاورید! اما رویش نشد مقاله خود من را دربیاورد که خط‌قرمز من بود. شاید همان روز خانم کدیور مقاله‌ای آورد و در دفاع از مذاکره مستقیم به‌من داد. برای ایشان نوشتم سرکار خانم کدیور خیلی از شما تعجب می‌کنم، با وجود مواضع انقلابی و خوبی که دارید، از این موضوع دفاع می‌کنید. این درست که ایشان [مهاجرانی]‌شوهرتان است، اما خیلی تعجب می‌کنم. درواقع بهش گفتم این مقاله قابل‌چاپ نیست. پشتش آقای خاتمی زنگ زد. لایند خانم کدیور خبر داد به‌آقای مهاجرانی، او هم زنگ زد به آقای خاتمی، بعد آقای خاتمی تماس گرفت و گفت فلاّنی برای چه این را چاپ نمی‌کنی؟ شما که دیروز با مقاله آقای مهاجرانی مخالفت کردید؟ حالا این را به‌عنوان نظر موافق چاپ بکنید. گفتم بحث مذاکره با آمریکا از نظر من خط‌قرمز است و قبول نمی‌کنم. اگر امر می‌کنید، به‌عنوان صاحب‌منصب بفرمایید. قطع کرد و زنگ زد به آقای اصغری. آقای اصغری آمد تحریریه و گفت حالا که آقای خاتمی زنگ زدند، شما مقاله خانم کدیور را بگذارید. چون دستور مسئول بالاتر است! مقاله را گذاشتیم. پادم هست صفحه که برای امضا آمد به آقای محمود مختاریان گفتم برو به آقای اصغری بگو خودت امضا کن! من صفحه‌ای را که دفاع از مذاکره باشد، امضا نمی‌کنم!

محتشمی‌پور ادعا می‌کرد رهبری، هاشمی و مهاجرانی برای تعامل با آمریکاتبانی کردند

نصیری در رابطه با مطرح شدن موضوع مذاکره مستقیم با آمریکا که حرقه آن با مقاله مهاجرانی زده شد، روایت جالبی از تحلیل نیروهای چپ‌گرا دارد. او در این باره گفته بود: «این جریان [انتشار مقاله‌های مذاکره مستقیم با آمریکا] در زمان [رهبری] آقا ابود و جریان مدعی خط‌امام می‌خواست این را بچسباند به ایشان. کسانی مانند آقای محتشمی‌پور می‌گفتند این تبانی

مصاحبه‌انتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی - سرپرست: مسعود فروغی
دفتر مدیرمسئول: ۱۲۰۱۲۳۴۸۰۱۲۰ تحریریه: ۱۸۲ - ۰۱۸ - ۲۲۷۶۰۱۸۰ فکس: ۰۵۱ - ۲۲۷۶۰۴۷ - ۲۲۷۶۰۴۷
روابط عمومی: ۴۹۹ - ۲۲۷۶ - ۲۲۷۶ - سازمان آگهی‌ها: ۸۰۱۸ و ۲۳۴۸۰۴۱۸
چاپ: چاپخانه‌دانشگاه آزاد اسلامی - توزیع فرهیختگان: ۱۲ - ۱۸ - ۲۳۴۸۰
نشانی: خیابان حافظ، پانین‌تر از جمه‌پوری، روبه‌روی ساختمان پورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه‌سوم

است بین آقا (رهبری) و آقای هاشمی و آقای مهاجرانی که بروند سمت آمریکا. می‌گفتند می‌خواهند بروند سمت آمریکا و دیگر فاتحه همه‌چیز را بخوانند و خط‌امام را نابود بکنند! خوب، چه کسی باید اینها را دفع و ثابت می‌کرد که این جریان ربطی به رهبری ندارد؟ کیهان.»

خاتمی وقتی عصبانی می‌شود خیلی بددهنی می‌کند

نصیری در رابطه با اختلافات بین خاتمی و اصغری در اداره کیهان گفت: «اینکه من رقتم آنجا [کیهان] و ماندنی شدم، یک مقدار به‌دلیل اختلاف این دو [خاتمی و اصغری] بود، ولی به‌هر صورت آقای خاتمی زنگ می‌زد، می‌گفت این [اصغری] نمی‌تواند شلوارش را بالا بکشد! آقای خاتمی عصبانی که می‌شود خیلی بددهنی می‌کند. این جوری است طبعش! خیلی بددهن است! با من بددهنی نمی‌کرد، ولی با قبلی‌ها بددهنی می‌کرد! جالب بود آنها هم در اتاق تیترو که آقای خاتمی بددهنی می‌کرد، گوشی را وسط جمعیت نگه می‌داشتند تا آنها هم بشنوند که بددهنی می‌کند. این جوری بود.»

ماجرای مصاحبه چالشی احسان نراقی با کیهان

تمرکز روی موضوع تهاجم فرهنگی در سال‌های پس از جنگ و پرداختن به آن توسط کیهان در آن سال‌ها همیشه محل بحث و چالش قرار داشته و دارد. مهدی نصیری که پیگیری مباحث فرهنگی درکنار مبارزه با فساد و حمایت از مستضعفان را دو مأموریت اصلی کیهان در دولت‌سازندگی می‌داند، عملکرد و نوع نگاه خود به این موضوع را این‌گونه بیان کرد: «جریان تهاجم فرهنگی چه موقع اتفاق افتاد؟ این برای بعد از ارتحال امام و پایان جنگ است که موجی شروع شد. آقای سعیدی‌سیرجانی شروع کرد مقاله نوشتن درباره روزنامه اطلاعات، آقای حجتی‌کرمانی مقاله‌ای نوشت به این مضمون که دوران دفاع مقدس، دوران بی‌خردی و جنون بوده است و حالا باید به عصر خرد برگردیم. من معتقد بودم آن تحلیل‌ها معنا ندارد و مقاومت و دفاع عین خرد بود. ممکن است با پایان جنگ بعضاً کارها فرق بکند، اما اصل حرف‌شان معنا ندارد. بعد هم این جریان را در مطبوعات شروع کردند. مطبوعات به روشنفکری روی آوردند؛ امام و جنگ را زیرسوال بردند، دفاع مقدس را زیرسوال بردند! نشریات گردون، آذینه و دنیای سخن طیفی از این جریان بودند. همان زمان آقا (رهبری) بحث تهاجم فرهنگی را مطرح کردند… احساس می‌کردیم جریان تهاجم فرهنگی موجود در جامعه که با بیرون‌پیوند می‌خورد، می‌خواهد فرهنگ را به انحطاط ببرد و معنویت را از جامعه بگیرد و اباحه‌گری را ترویج بدهد تا جامعه از معیارهای اخلاقی و ارزش‌های دینی فاصله بگیرد… دریک مورد آقای احسان نراقی را سر بعضی از مواضع و حرف‌هایش نقد می‌کردیم. یک روز زنگ زد به کیهان. گفت من احسان نراقی هستم و شما علیه من می‌نویسید و نقد می‌کنید، می‌خواهم ببایم شما را ببینم، گفتم چشم. فکر کنم ایشان از فرانسه زنگ زدند، ایشان فرانسه رفت‌وآمد می‌کردند و آنجا بودند. یکی دوروز بعد با آقای ثقفی، برادر خانم امام، که با او رفیق بود، آمدند اتاق سردبیری. نشستیم و صحبت کردیم. به آقای نراقی پیشنهاد دادم که رودررو صحبت بکنیم، ما اشکالات و انتقادها را می‌گوییم، شما هم جواب بد تا ماحصلش را چاپ بکنیم. ایشان قبول کردند. بعد مثالی فرهای آن روز قرار داداشتیم و دوسه ساعت با آقای نراقی صحبت کردیم. یکی از آقایان مفصل روی مباحث آقای نراقی در قبل و بعد از انقلابش کار کرد. بالاخره ایشان جزء مشاوران فرح بود. با ایشان مصاحبه‌ای صریح و رودررو کردیم، ماحصلش در دوسه صفحه کیهان چاپ شد، بدون دخل و تصرف. البته بهتر نراقی گفت این کاری که کیهان کرد، بازجویان اوین نکردند! کاری که ما کردیم بحث و سوال چالشی بود که مثلاً شما این جور گفتید و این سابقه را دارید، اینها با هم تعارض دارد و این ادعا با این حرف نمی‌خواند… طبعاً یک عده مخالف بودند و ما می‌فهمیدیم، یعنی حالی‌مان بود که عده‌ای ناراحت هستند، ولی بالاخره ما داریم نقد می‌کنیم، نقد به‌محتوای شماست. نمی‌رقتیم دنبال حاشیه. آقای نراقی را که مثال زدم، ما رقتیم در سوابق زندگی خصوصی‌شان جست‌وجو کنیم. ایشان مشاور فرح پهلوی بود و این بحث خصوصی زندگی نیست. یک آدم سابقه‌خاص فرهنگی و علنی داشته است.»

روایت انتشار یک خبر جنجالی درباره مخملیاف

«ما در مباحث فرهنگی دع‌وایی جدی با آقای مخملیاف شروع کردیم. مخملیاف دو فیلم ساخت، یکی «شب‌های زاینده‌رود» و دیگری «نوبت عاشقی». مضمون «شب‌های زاینده‌رود» ترویج نهیلیسم و پوچ‌گرایی بود، رسماً و صریح. مضمون «نوبت عاشقی» هم روابط آزاد جنسی بود. یعنی یک زن شوهردار می‌تواند با یک مرد دیگری هم باشد. این خط‌خطناکی بود که شروع شد! خوب ما شروع کردیم به نقد کردن… من رقتم فیلم‌ها را دقیق دیدم. جالب است بدانید خبرنگار فرستادم فیلم شب‌های زاینده‌رود را ضبط کرد. ما کل دیالوگ فیلم را در کیهان چاپ کردیم، می‌خواستیم وقتی نقد می‌کنیم، نشان دهیم که مستند است. نقدها هم سلیس و جدی بود و بالاخره مخملیاف دچار مشکل شد… این اواخر ماجرای برای آقای مخملیاف رخ داد؛ آقای مخملیاف با جایی صحبت کرده بود، شاید مستند بود. در این مستند که شرح زندگی اش را می‌گفت، می‌رسد به اینکه پدرم فوت کرد و بعد مادرم سیغه‌آقایی شد و ازدواج موقت کرد. این را خودش می‌گوید. مسئول خیر ویژه ما، در خبری، این را تنظیم کرده بود، بدون اینکه یک کلمه کم یا زیاد بشود. آن فیلم مستند هم فیلم خصوصی نبود، کسی فیلم مستند ساخته بود از آقای مخملیاف. اصلاًصراحت نداشت اما تلقی خواننده از بیرون، این بود که مادرش صیغه شده. زن آن خبر به‌دلیل همین تلقی اشتباه بود، ولی می‌خواهم بگویم این حرف در متن فیلم آمده بود. البته یک جمله نبود، شش الی هفت بحث با اعتراف بود. چیزی بود که خط‌مشی فکری و فرهنگی مخملیاف را نشان می‌داد و این هم در ضمن آنها بود. البته من آن ایام به حج رفته بودم. بعد سروصدا شد، نقد و انتقاد و جوابیه و توضیح خورد. من رفته بودم حج و نبودم، البته چیزی بود که آقای مخملیاف خودش گفت و بعد یک امر شرعی بود، اگر چیز قبیحی بود که مخملیاف خودش در مصاحبه و فیلم مستند نمی‌گفت، ولی تلقی عموم این بود که کیهان می‌خواهد انتقام‌گیری شخصی بکند، به همین دلیل نباید انجام می‌شد.»